

با سقوط دولت سوریه به دست مهاجمین مسلح، سوالات و ابهامات زیادی ایجاد شد. دشمنان محور مقاومت که از سال‌های پیش، به طور مستمر و سنگین، دربرای حضور ایران در سوریه مشغول عملیات روانی و رسانه‌ای بودند، دربرای به محور مقاومت، حضور ایران در سوریه، چربی و چگونگی این سقوط و موضوعات مشابه دیگر مطرح کردند.

در همین راستا، رسانهی KHAMENEI.IR در گفت‌وگو با دکتِر علی‌اکبر احمدیان، دبیر شورای عالی امنیت ملی، به بررسی جزئی‌تر پرونده‌ی حضور مستشاری ایران در سوریه پرداخته است.

بن‌مایه نظری نگاه جمهوری اسلامی و به تبع آن مجموعه‌های امنیتی کشور – که نقطه‌ی همگرایی همه‌ی آن‌ها دبیرخانه‌ی شورای عالی امنیت ملی است – به مقوله‌ی «امنیت ملی» چیست؟

از نظر ما، مردم ستون امنیت ملی هستند. انقلاب اسلامی با مردم پیروزی گرفت، با مردم ایجاد شد و مردم باقی ماند. همه‌ی نظریاتی که حول‌وحوش مسئله‌ی «امنیت ملی» مطرح می‌شود، ذیل ستون مردم است. «مردم» هم که عرض می‌کنم، یعنی همه‌ی مردم؛ چون همه‌ی مردم انقلاب کردند. این تصوّر که فکر کنیم یک گروه خاصی در کشور

اصل سوّم عدم دخالت در امور سایر کشورها است. انقلاب اسلامی با همه‌ی شعارهای آرمان‌گرایانه و بعضاً دارای جنبه‌ی جهان‌وطنی‌ای که دارد، اما در هیچ کشوری به واسطه‌ی آن آرمان‌ها جتنی به خاطر منافع ملی دخالت نکرده است – که این مصداق همان واقع‌بینی است – مگر با سه شرط:
اول اینکه باید دولت رسمی آنجا رسماً درخواست کرده باشد. هم در سوریه، هم در عراق، ما برای حضور، درخواست رسمی دولت وقت این دو کشور را داشتیم. به عنوان نمونه، اگر یادتان باشد، در ماجرای ترور و شهادت شهید سلیمان، نخست‌وزیر عراق گفت که ایشان را من به عراق دعوت کرده بودم. در زمان حضور ما در مقابله با فتنه داعش، آقای مالکی (نخست‌وزیر وقت این کشور) از ما برای مقابله با داعش درخواست کرد. بنابراین، درخواست رسمی حتماً از لوازم بوده است.

دوّم، عدم تقابل با مردم است. هر کسی ما را دعوت کند که امروز برویم آنجا مثلاً به نفع او یا مردم آنجا درگیر بشویم، حتماً چنین کاری نخواهیم کرد و این از اصولی است که به آن دقت می‌شود. سوّم، وجود منافع یا آرمان قطعی است. در آنجا، ما یا باید یک منافع ملی قطعی داشته باشیم یا یک آرمان قاطع؛ مثلاً «دفاع از مظلوم» که از آرمان‌ها و اصول ما است. اگر یکی ملتی مورد ظلم قرار بگیرد

نظریه‌ی رهبر معظم انقلاب مبنی بر «آرمان‌گرایی واقع‌بینانه» است. ایشان در برابر دوگانه‌ی رایج «آرمان‌گرایی» یا «واقع‌بینی»، این نظریه را مطرح فرمودند و تأکید کردند که آرمان‌گرایی بدون واقع‌بینی توهم است و واقع‌بینی بدون آرمان هم روزمرگی است.

مناطق سوریه یکی‌یکی سقوط کرد و نهایتاً رسید به دمشق. گفت‌وگوهایی را هم در این مدّت با بشارسد و با ارتش‌هایشان داشتیم، مشاوره‌هایی به آن‌ها دادیم و باز هم تلاش کردیم که روند سیاسی فغال شود. سفر ترکیه‌ی آقای عراقچی برای همین بود، سفر دوحه برای همین بود، موفقیّت‌هایی هم داشت. «بیابته‌ی هشت کشور» به نظرم بیانته‌ی خوبی بود که بالاخره پنج کشور عرب منطقه هم به آن پیوستند و اظهار نگرانی کردند، درخواست حلّ سیاسی کردند، اما سرعت فروپاشی به این تلاش هم فرصت نداد.

در گفت‌وگوی تفصیلی با دبیر شورای عالی امنیت ملی مطرح شد

مردم ستون امنیت ملی هستند

انقلاب با مردم ایجاد شد و با مردم باقی می‌ماند

انقلاب کردند، تصوّر درستی نیست. بله، در کارهای مختلف، سهم‌ها متفاوت بوده است – در یک جایی یکی سهم بیشتری داشته است، در یک جای دیگری کس دیگری سهم بیشتری داشته است – اما همه‌ی ملت ایران انقلاب کردند. این دیدگاه هم در مبانی نظری و مواضع عملی رهبر انقلاب ریشه دارد. همین دو سه سال پیش بود که ایشان فرمودند جمهوری اسلامی بدون مردم معنا ندارد و بدون مردم هیچ استند این انقلاب به اول بنایش را بر این گذاشت که با مردم حرکت کنند، قدرتش را در حضور مردم ببیند، قدرت مردم را قدرت خودش ببیند. به تعبیر حضرت آقا، «مردمسالاری دینی» یعنی اینکه بر اساس اسلام، «مردم»، سالار جامعه و امور خویش هستند و انقلاب این صدا را در دنیا هم بلند کرد. لذا هر جایی هم که انقلاب اسلامی رفته، شاخصه‌اش این است که مردم بالا آمدند، نه یک فرد.

در مورد مسوره‌ی هم اگر یک بحث‌هایی راجع به این موضوع می‌شود، مسئله این است که دولت سوریه را ما بالا نیاوردیم؛ دولت خاندان اسد قبل از ما بود، محکم هم بود و به دلیل وجه اشتراک بزرگ و ستوفنی در سازش‌ناپذیری با رژیم صهیونیستی و مقاومت در برابر آمریکا و اسرائیل، یک تعاملاتی با ما داشتیم و حمایت متقابل داشتیم.

دوّمین نکته‌ی مهم که ما رعایت می‌کنیم، نظریه‌ی رهبر معظم انقلاب مبنی بر «آرمان‌گرایی واقع‌بینانه» است. ایشان در برابر دوگانه‌ی رایج «آرمان‌گرایی» یا «واقع‌بینی»، این نظریه را مطرح فرمودند و تأکید کردند که آرمان‌گرایی بدون واقع‌بینی توهم است و واقع‌بینی بدون آرمان هم روزمرگی است.^(۱)

در یک دهه‌ی اخیر و با شدّت گرفتن رشد گروه‌های تروریستی در منطقه، جمهوری اسلامی ایران هم برای انجام عملیات نظامی ضدّتروریستی، اقدام به حضور مستقیم نظامی یا مستشاری در خارج از مرزهای رسمی کشور کرده است. حضور نظامی و مستشاری ایران طبقاً تابع اصول و ضوابط خاصی است. این ضوابط چیست؟

حضور جمهوری اسلامی ایران در هر جایی، حتّی آنجا که این حضور منشأ آرمانی داشته است، تابع یک اصولی بوده است. استثنائاً ممکن است یک جایی خطایی هم شده باشد، اما مبنا همواره این اصول بوده که ذکر می‌کنم:

اول اول دفاع قاطعانه از کشور، مردم و منافع ملی، در برابر بیگانه است. در این اصل، هیچ‌گاه تردیدی نبوده است. این دشمن هم آمریکا بوده است، چه که همسایه این اصل همواره مبنای عمل بوده. اصل مهمّ دیگر اینکه آغازگر تهاجم به هیچ کس نبوده است. رهبر معظم انقلاب واقعاً به این اصل مقتد بوده‌اند. خیلی اوقات، دیگران موردی را تا پای تصمیم آوردانند اما وقتی به سطح رهبری رسیده است، ایشان مانع می‌شوند و کمک هم به سایر مسئولان هم این را آموخته‌اند.

وقفا ملی، واژه جذاب و پرمعنایی است که این روزها با سر کار آمدن دولت چهاردهم، بیشتر شنیده می‌شود. این‌که دولت، به دنبال ایجاد وقفا، همدلی و انسجام در جامعه و کاهش اختلاف باشد، قطعاً رویکرد مثبتی است که در مقابل تلاش دشمنان و بدخواهان برای ایجاد اختلاف، شکاف و قطعی‌سازی کشور قرار دارد. تا اینجا، کسی مخالف وقفا ملی در کشور برای این‌ها نیست؛ اما آنچه موجب نگرانی برخی از دلسوزان نظام شده، ابهام در استفاده از این واژه و مشخص نکردن حد و مرز و شاخص‌های آن است که می‌تواند سوء برداشت‌هایی را از آن به وجود آمده باشد.

بی‌تردید، وقفا ملی نمی‌تواند بی ضابطه و معیار باشد. اینکه چارچوب وقفا ملی و معیارهای آن چیست، بسیار اهمیت دارد. ملت با یک کسانی در روی چه مسائلی باید وقفا داشته باشد؟ وقفا ملی، قرار است معیارها را از معیارهای حزبی، تنگ

۱

سیاسی

Siyasi@kayhan.ir

فرهنگی پیدا کرد. می‌بینید که امروز با همه‌ی این تخریب‌ها، چه استقبالی از حزب‌الله در داخل لبنان می‌شود! مردمی که ضربات سنگین به زندگی‌شان خورده است، همه با پرچم حزب‌الله برمی‌گرزند. این‌ها برکات و عمق راهبردی و فرهنگی انقلاب اسلامی است. حزب‌الله این چنین وضعی در لبنان دارد. کسی نمی‌تواند حماس و جهاد و حزب‌الله را حذف کند، کسی نمی‌تواند انصارالله را حذف کند. این‌ها به متن مردم تبدیل شده‌اند؛ مردمی که مجبّر و بالغ شده‌اند و صاحب دانش و فتاوری برای ساخت تجهیزات مورد نیاز برای دفاع از خود هستند.

با شرایط فعلی، به نظر می‌رسد که حمایت از مقاومت سخت‌تر می‌شود؛ این‌طور نیست؟
بله، سخت‌تر می‌شود. البته در خیلی از مقاطع، کار ما سخت‌تر شده، در بعضی مقاطع هم راحت‌تر شده؛ این مسئله طبیعی است. از اول تا حالا هم همین‌طور بوده است. اما نکته‌ی اول این است که حزب‌الله، حماس و جهاد، امروز به پشتیبانی مستقیم و فیزیکی ما خیلی وابسته نیستند. ببینید! اما مگر ما در طول این مدت، با حماس در غرّه ارتباط مستقیم داشتیم؟ هیچ‌گاه نداشتیم، همیشه هم حاجزهای اسرائیلی و هم‌پیمانان وی داشتند! اوضاع را کنترل می‌کردند. مگر ما الان با یمن در ارتباط ارضی مستقیم داریم؟ مسیر دریایی‌اش

روشن است؛ این موضوع، منطق نظامی دارد، هر وقت که لازم و مناسب باشد می‌زنیم، هر وقت که دشمن بیشتر درش بیاید می‌زنیم، هر وقت که به منافع ملی ما کمک کند می‌زنیم. با احسانات که نمی‌شود و نباید عملیات کرد. در فاصله‌ی بین وعده‌ی صادق یک و دو، ضعف‌های ضربه‌ی اولمان تجربه و تحلیل شد؛ یک تجزیه و تحلیل هم از ظرفیّت‌های دشمن شد که در نتیجه، دفعه‌ی دوّم بهتر شد. این‌ها تابع عقل و تدبیر و منطق و همان واقع‌بینی‌ای است که به آن اشاره شد.

یکی از بازی‌های جنگ روانی دشمن این است که فشار بگذارند: «آقا اگر نمی‌زنید، حتماً ترسیده‌اید!» بعد، عده‌ای از خود ما شروع کنند بزرگان ما در داخل کشور را – کسانی را که دیروز در میدان شهادت بودند، امروز هم هر روز در معرض شهادت هستند و پشت‌سر هم دارند شهید می‌شوند – متهم کنند به اینکه ترسو هستند! این مطالبه‌گری نیست؛ این افتادن ناخواسته در بازی عملیات روانی دشمن است، زیرا نتیجه‌اش تحقق خواسته‌ی دشمن، یعنی ارتش و ترس است. ما اگر می‌ترسیدیم، مثل همه‌ی دیگران، در برابر اسرائیل و آمریکا نمی‌ایستادیم و آرمان‌ها و منافع ملت خودمان را به آن‌ها می‌فروختیم. در هر برهه‌ای، شرایط فرق می‌کند، وضیّت‌ها فرق می‌کند؛ باید این‌ها را دید و تصمیم گرفت. به‌منظرم اولاً ما امروز در میدان عملیات روانی و رسانه‌ای، به جسای بدافند و دفاع، باید در موضع تهاجم باشیم، واقعیات این را میگوید که امروز اگر تجاوزی به ما بشود، حتّی خیلی از آن‌هایی که به‌اصطلاح مخالف نظام هستند و یا زاویه دارند، به میدان می‌آیند و از کشورشان دفاع می‌کنند. ثانیاً، از منظر راهبردی چه کسی شکست خورده است؟ در این چهارصد پانصد روز پس از طوفان‌الاقصی، ببینید وضع رژیم صهیونی چگونه است. اسرائیلی که یک دولت جعلی اما رسمی در جهان می‌نمود، امروز شده است رژیم اشغالگر، نسل‌کش و آپارتاید که نخست‌وزیر آن تحت تعقیب است. به‌عکس، مردم فلسطین به عنوان ساکنان اصلی این سرزمین و به عنوان نهضت آزادی‌بخش در مبارزه با اشغالگری شناخته شدند. افکار عمومی جهانی و حتّی خیلی از دستگاه‌های رسمی مجبور شدند از این دفاع کنند که فلسطین فلسطینی‌های ما است و این اسرائیل است که هفتاد سال اشغالگری کرده.

مستأصل است، هنوز با همه‌ی این اقداماتی که کرده است امنیت ندارد، مشروعیت ندارد، اختلافات به‌شدّت افزایش پیدا کرده است و از نظر اقتصادی وضع بدی دارد. برخی غربی‌ها می‌گویند این کودکان غرّه و لبنان یا یحیی سنوار می‌شوند، یا سیدحسن نصرالله می‌شوند. بنابراین، حرکت عمومی حرکت پیروزی جبهه‌ی مقاومت و انقلاب اسلامی است، حرکت قدرت یافتن انقلاب اسلامی و ضعف و حقارت اسرائیل است.

با این تفاسیری که شما از قدرت و تقویت جبهه‌ی مقاومت دارید، یعنی اتکای اصلی جمهوری اسلامی در مبارزه با رژیم اسرائیل، قدرتمند کردن مردم و جهان اسلام و مقاومت برای مبارزه با این رژیم است، نه صرفاً مبارزه‌ی نظامی.

بله، همین‌طور است ملت فلسطین باید قدرت دفاع از خودشان را داشته باشند، باید بتوانند تهاجم به خود را پاسخ بدهند. اسرائیل، ذاتاً و ماهیتاً، استعداد ندارد، چون عملیات نیست. حوادث یک سال گذشته به‌خوبی این مسیر را نشان داد. اسرائیل در اذهان همه‌ی مردم جهان فروپاشید و افکار جهانی عوض شد. امروز کسی نیست که اسرائیل را رد نکند، کسی در جهان نیست که ناشروع بودن اسرائیل و حقانیت فلسطین را تأیید نکند. مشروعیت و مقبولیت قلابی خود را از دست داده است و واقعیت جریان عمومی این است.

- بی‌نوشته:
۱. بیانات رهبر انقلاب اسلامی در دیدار دانشجویان در تاریخ ۱۳۹۲/۵/۶
۲. قرآن کریم؛ سوره‌ی زحرف، بخشی از آیه‌ی ۵۴: «پس قوم خود را سبکمغز یافت او آنان را فریفت و اطاعتش کردند …».
۳. قرآن کریم؛ سوره‌ی بقره، بخشی از آیه‌ی ۲۶۸: «شیطان شما را از تپیدستی بیم می‌دهد و شما را به رشتی وامی‌دارد …».

است، من بارها گفته‌ام که برای من، این تقسیمات اصول‌گرا و اصلاح‌طلب و اصلاح‌طلب مدرن و سنتی و از این حرفه‌هایی که می‌زنند، مطرح نیست؛ من به این اسم‌ها اصلاً اهمیتی نمی‌دهم و توجه ندارم؛ هم در محتواها کار دارم؛ اما روی مسئله فتنه حساسم. حالا البته اکثر کسانی که در آن تظاهرات شرکت داشتند، مردم معمولی بودند و هیچ تقصیری هم نداشتند؛ اما یک عده‌ای به‌مرزندی با دشمنان و زاویه‌داران عده هم سوءاستفاده کردند و گفتند «انتخابات بهانه است، اصل نظام نشانه است»، دیگر از این صریح‌تر؟ اصل این شعار داده شد یا نه؟ خب اگر این شعار داده شده، تریز آن این شعار، آن روز هم لازم بود و باید می‌کردند که نکرده‌اند، حالا هم یک عده‌ای از آنها حمایت بکنند، آن وقت دم از امام و طرفداری از امام و طرف‌فداری از نظام و طرف‌فداری از انقلاب هم بزنند! این نمی‌شود؛ این قابل قبول نیست. این پدیده بسیار بدی است؛ پدیده زشتی است؛ این پدیده را هم اصلاً نمی‌پسندیم.»

«کثَرَةُ الْوَاقِفِ نَفَاقٌ وَوَقَافٌ بَیْشَ از حد، از نفاق است.»
(عبد الواحد تمیمی آمدی، غررالحکم و دررالکلم، ج ۱، ص ۵۲۴.)

مرزبندی با دشمنان و خیانتکاران، باید روشن شود و با کم‌رنگ کردن این مرزبندی، کشور دچار آسیب خواهد شد. وقفا ملی، یعنی بزرگ کردن نقطه‌های تعامل و انسجام ملی، نه کم‌رنگ کردن خطوط قرمز نظام و مرزبندی با دشمنان و زاویه‌داران با نظام؛ کسانی که به نظام خیانت کرده، در خلاف منافع ملی گام برداشته، هم‌داستان با دشمنان شده‌اند، از این دایره بیرون هستند.

مقیام معظم رهبری در دیدار با جمعی از دانشجوین در تاریخ ۱۲ تیر ۱۳۹۵ نسبت به این مسئله هشدار داده و فرمود: «رسم شده که از امام و نظام و انقلاب دم بزنند، اما با کسی هم که می‌گوید «انتخابات بهانه است، اصل نظام نشانه است» همکاری نکنند و یا از او حمایت کنند؛ این نمی‌شود. موضع بنده در این مورد، کاملاً صریح

صفحه ۸

چهارشنبه ۵ دی ۱۴۰۳

۲۳ جمادی‌الثانی ۱۴۴۶ – شماره ۲۳۷۵۵

فرصت‌سازی

از تحریم و تهدید

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و کوتاه شدن دست آمریکا از ایران، ایران به عنوان بازیگری ناممخوآن با سیاست بین‌الملل شناخته می‌شود و در هر زمان که نسبت به آن احساس ضعف و ناتوانی می‌شود به طور رسمی و با دلایل گوناگون مورد تحریم‌های اقتصادی، تجاری، علمی، حقوق بشری، نظامی و انرژی بین‌المللی قرار می‌گیرد، به حدی که مقام‌های دولت آمریکا تحریم‌های اعمال شده علیه ایران را سخت‌ترین و فاجعه‌کننده‌ترین تحریم‌ها در طول تاریخ تمدن انسان نامیده‌اند و اکنون بعد از گذشت چند دهه معاون سخنگوی وزارت خارجه دولت جو بایدن رئیس جمهور دموکرات آمریکا که در روزهای پایانی خود به سر می‌برد، با دفاع از تداوم سیاست فشار حداکثری توأم با ادعای دیپلماسی، مدعی موثر بودن تحریم‌های آمریکا در ۴ سال گذشته علیه جمهوری اسلامی ایران شده است.

در دهه ۹۰ مسئولان دولت یازدهم و دوازدهم در بی اعمال تحریم‌ها نتوانستند راهی برای خروج از این بن بست پیدا کنند به همین دلیل وضعیت اقتصاد کشور به مذاکرات گره زده شد و به اصطلاح کارشناسان اقتصاد کشور شرطی شد.

از این رو مقام معظم رهبری بارها در سخنان‌شان دهه ۹۰ را به عنوان یک دهه سیاه در اقتصاد ایران معرفی کرده‌اند زیرا عمده شاخص‌های اقتصادی در این دهه روند نزولی به خود گرفته بود.

اما در سهه سال گذشته با روی کار آمدن دولت شهید سید ابراهیم رئیسی، بدون آنکه اقتصاد کشور به مذاکرات گره زده شود از شرایط بحرانی خارج و اقتصاد کشور روند صعودی و رشد چشمگیری به خود گرفت، اما ظاهراً برخی از مفرضان نمی‌خواهند این واقعیت‌ها را ببینند.

این رشد اقتصادی در حالی رقم خورده است که با روی کار آمدن دولت شهید رئیسی کشور حتی با وجود پایین دموکرات، شاهد شدیدترین تحریم‌ها بوده است اما در همین دوران هم فروش نفت افزایش یافت و هم بخش اعظمی از پول‌های بلوکه شده به کشور بازگشت.

دولت سیزدهم از ابتدای شروع به کار خود اعلام کرد که در حوزه سیاست خارجی، دنبال تقویت روابط با کشورهای همسایه و منطقه است، از همان شروع به کار دولت سیزدهم برنامه‌ریزی برای تقویت سیاست همسایگی و منطقه‌ای دنبال شد و در حدود ۱۰۰۰ روز از عمر دولت، رئیس‌جمهور به کشورهای تاجیکستان، ترکمنستان، روسیه، عمان، ازبکستان، قزاقستان، چین، سوریه، عربستان (حضور در سازمان همکاری‌های اسلامی)، ترکیه و پاکستان سفر کرد. او همچنین به سریلانکا، اندونزی، ونزوئلا، نیکاراگوئه، کوبا، کینیا، اوگاندا، زمبابوه، آفریقای جنوبی و الجزایر سفر کرد و دو بار هم به جمع عمومی سازمان ملل رفت؛ دیپلماسی دوستانه و قوی شهید رئیسی به قدری شایسته بود که پس از شهادت وی ۱۱۵ مقام ارشد کشورهای دنیا و سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی برای کشورمان پیام تسلیت فرستادند.

همچنین افزایش سهم تجارت ایران با کشورهای همسایه و منطقه، برقراری روابط دیپلماتیک با عربستان و صویت در پیمان شانگهای و بریکس از جلوه‌ها و موفقیت‌های سیاست خارجی دولت محسوب می‌شود. در سال ۱۴۰۲، سهم تجارت ایران با کشورهای همسایه به بیش از ۶۰ میلیارد دلار رسیده و میزان صادرات به این کشورها افزایش یافته بود. بومی‌سازی و رشد تولیدی صنعت دفاعی در کشور، رکورد برناب در یک دهه گذشته، رشد ۴ درصدی تولید در دو سال پایانی، رونق بی‌سابقه تجارت کشور، کاهش نرخ بیکاری به ۸.۲ درصد، افزایش تولید نفت و گاز، حل کامل مشکل باقی ماندن ۸۷ میلیارد بشکه میعانات روآی، برنامه‌ریزی برای حل ۲۲ هزار مگاوات ناترازی برق، تدبیر دولت برای رفع تنش آبی و حل مشکل ۳۵۰۰ روستا، افزایش تولید گاز برای کاهش ناترازی در بخش گاز، سوآپ گازی ایران ترکمنستان آذربایجان پس از ۵ سال توقف، اقدام ارشد کشورهای دنیا و سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی برای ظرفیت ۱۰۲۶ مگاوات، راه‌اندازی رکورد شمال جنوب، برنامه‌ریزی برای اصلاح نظام بانکی، کاهش رشد نقدینگی از ۴۰ درصد به ۲۷ درصد، تمرکز بر روی اصلاح نظام و ساختار بودجه، افزایش ۱۵ هزار تخت بیمارستانی از ابتدای دولت، پوشش فراگیر بیمه سلامت، رشد شگفتی و شکوفایی دانش‌بنیان، افزایش ۵۹ درصدی مدال آوری جوانان ورزشکار کشور، فعال شدن سامانه‌های شفافیت برای پیشگیری از بروز فساد، ورود ۸ میلیون گردشگر خارجی به کشور، خرید تضمینی بیش از ۱۰ میلیون تن گندم، هدف‌گذاری تولید ۱.۷ میلیون خودرو تا پایان سال، پیگیری مذاکرات رفع تحریم در عربین حال دنبال کردن سیاست همسایگی، حضور در انتخابات‌های بزرگ جهانی و بازگرداندن اموال ملت ایران در کشورهای مختلف، رفع موانع تولید، تسهیل صدور مجوز کسب و کارها، رفع ممنوعیت واردات خودرو

پس از ۴ سال، اجرای نسخه نوسازی الکترونیکی بعد از ۱۶ سال، رونمایی از سامانه چک الکترونیکی و افتتاح پروژه‌های نیمه تمام تنها بخشی از دستاوردهای دولت سیزدهم در سه سال گذشته بود که به گفته شهید رئیسی با کمک و مشارکت و نقش آفرینی خود مردم، پروژه دشمن برای منزوی کردن ایران در جهان و نامید کردن مردم در داخل شکست خورد و آخرین دیدار رئیس جمهور شهید نیز با یک مقام خارجی (الهام علی‌اف رئیس‌جمهور آذربایجان) چند ساعت پیش از شهادت وی در مراسم افتتاح سد قز قلعه سی در نقطه صفر مرزی بود.

در همین سهه سال گذشته شاهد وقوع حوادث مختلف بودیم که هرکدام از این حوادث می‌توانست منجر به عیش چند برابری نرخ ارز در کشور شود از جمله اعتراضات سال ۱۴۰۱ و جهلش نظامی و توسعه صادق اما مشاهده شد حتی در این وضعیت نیز قیمت ارز ثبات نسبی داشت و حفظ کرد و شاهد رشد حتی ۱۰۰ درصدی نرخ ارز هم نبودیم در صورتی که در سال ۹۷ در حالی که قیمت ارز در کانال ۲۰۰۰۰ تومان بود فقط با خروج آمریکا از برجام به یکباره قیمت ارز روند صعودی گرفت و در مدت دو سال چیزی نزدیک به ۱۰ برابر رشد کرد.

یکی از مقامات سابق کاخ سفید نیز در گفتگو با وال استریت ژورنال به رغم عدم موفقیت واشگتن در پیشبرد سیاست فشار حداکثری مدعی شد: «من فکر می‌کنم که ما شاهد بازگشت تحریم‌ها خواهیم بود و دولت ترامپ سعی خواهد کرد که خیلی بیشتر چه از نظر دیپلماتیک و چه از لحاظ مالی، ایران را منزوی کند. ایران قطعاً در حال حاضر در موضع ضعف قرار دارد و اکنون فرصتی برای بهره برداری از این ضعف است.» سید عباس عراقچی وزیر امور خارجه ایران نیز ۲۲ آبان ۱۴۰۳ اعلام کرد: نسخه اول سیاست «فشار حداکثری» لاجرم با «مقاومت حداکثری» مواجه شد و نهایتاً به شکست حداکثری» برای آمریکا منجر گردید. مدرک می‌خواهید؟ به عنوان فقط یک مثال کافی است وضعیت برنامه صلح‌میز هسته‌ای ایران را قبل و بعد از به اصطلاح سیاست «فشار حداکثری» مقایسه کنید.

عراقچی تصریح کرد: تلاش برای اعمال «سنخه دوم فشار حداکثری» تنها به «سنخه دوم شکست حداکثری» منجر خواهد شد. ایده بهتر آن است که «عقلانیت حداکثری» را امتحان کنید - به نفع همه است. قدرت‌نمایی جمهوری اسلامی ایران در عرصه جهانی و بین‌المللی آن هم در سایه تحریم‌های آمریکان‌شان می‌دهد که ملت ایران، برخلاف تبلیغات، معاملات و محاسبات طلع پیروز و سربلند روی پای خود استناده آمریکا در برابر ایران، آمریکا در مقابل اراده ملت ایران شکست خود اما چون نمی‌خواهد اینکه تحریم‌های خود را باور کند و بپذیرد دست به دامن تحریم خود و حالا با ادعای اینکه تحریم‌ها موثر واقع شده خود را آرام می‌کند. ارائه خدمات فنی مهندسی به کشورهای تحت تحریم، این پیام را به دنیا مخابره کرد که نه تنها ایران در مقابل تحریم‌های ظالمانه دچار انفعال نشده است، بلکه از طریق خنثی‌سازی تحریم‌ها به صدور خدمات فنی مهندسی و حمایت از کشورهای همسو و دوست نیز روی آورده است و از این طریق ضمن آرزآوری برای کشور بار دیگر به تحریم‌کنندگان ثابت کرد که در شرایط تحریم می‌تواند به فعالیت خود ادامه دهد و حتی به کشورهای دوست خود نیز کمک کند.